

محققانی مانند جعفریان، عطایی و حسن انصاری مادلونگ را محقق آگاه، منصف و پایبند به روش علمی و البته گاه در برخی مواضع خطا کار دانسته‌اند و برخی نیز مانند عبدالمحمدی آثار او، از جمله جانشینی محمد، را سوگیرانه در اعتقادات شیعه قلمداد کرده‌اند.



تاریخ فریق آشکار می‌سازد.

تحلیل و بررسی آثار پژوهشی برجای مانده از مستشرقان مستلزم نگاهی برون دینی به این آثار است. در یک رویکرد درون دینی نمی‌توان به تحلیل منصفانه‌ای از عملکرد مستشرقان دست یافت. در مورد مادلونگ نیز، به جهت ورود او به مباحث وسیع اعتقادی، کلامی و تاریخی و حتی فقهی، این بررسی حساسیت بیشتری می‌یابد. محققانی مانند جعفریان، عطایی و حسن انصاری مادلونگ را محقق آگاه، منصف و پایبند به روش علمی و البته گاه در برخی مواضع خطا کار دانسته‌اند و برخی نیز مانند عبدالمحمدی آثار او، از جمله جانشینی محمد، را سوگیرانه در اعتقادات شیعه قلمداد کرده‌اند. نگاه به برخی اظهارات در بررسی‌های انجام شده می‌تواند رویکرد کلی مادلونگ را در پژوهش‌هایش نشان دهد.

مادلونگ در مقاله‌ای که در نقد مقاله فان اس، با موضوع ملل و نگاشته‌های اسلامی و با نام «خدا و همه اندیشه‌های انسان در باب او»، نوشته است به نقد دیدگاه مؤلف در مسائل جنجال برانگیز صدر اسلام و جانشینی پیامبر، غضب خلافت و قتل عثمان و همین‌طور اختلافات سنی‌ها و شیعیان می‌پردازد. فان اس شیعه را کسانی می‌داند که «ارادت و همدلی قوی با علی و فرزندان او دارند». اولین انتقاد مادلونگ به این تعریف فان اس از مفهوم شیعه است. مادلونگ این تعریف را بسیار فراخ دانسته که اکثریت مسلمانان و حتی عمر بن خطاب را در درون خود جای می‌دهد. او شیعه را فقط بر کسانی منطبق می‌داند که پس از پیامبر علی (ع) را به عنوان امام اول قبول کرده‌اند. فان اس معتقد بود تکوین شیعه و بروز و ظهور آن به ماجرای قتل خلیفه سوم و نقش علی بن ابی طالب (ع) در ایجاد فتنه علیه عثمان مربوط است. مادلونگ این نظریه را منطبق با نظر مستشرقان قرن بیستم مانند هنری لامنس و کاپتانی دانسته و تأکید می‌کند که بعد از یک قرن گسترش و تعمیق تحقیقات تاریخی این نظر قابل دفاع نیست، چون با رجوع به منابع اهل سنت که در طرف مقابل شیعیان هستند نیز علی نقشی در قتل خلیفه سوم نداشته. مبنای این نظر آن است که اهل سنت علی را به عنوان خلیفه چهارم پذیرفته‌اند و او را در مبارزه با معاویه که زیرکانه در صدد بود تا قتل خلیفه را به علی نسبت دهد بر حق می‌دانند.^۲

مادلونگ در کتاب جانشینی محمد انتخاب ابوبکر را کودتای نظامی دانسته^۳ که طی آن حق خلافت و حاکمیت از فرزندان و اهل بیت پیامبر گرفته شد. او با ارجاع به داستان پیامبران و انتخاب جانشینان آن‌ها از سوی خداوند چنین موقعیتی را برای پیامبر اسلام نیز رومی دانست، امری که معاصران سنی بر اساس آیه ۴۰ سوره احزاب، که خاتمیت پیامبر را مطرح کرده، نپذیرفته‌اند. مادلونگ طرح این دیدگاه را که تمامی فرزندان ذکور پیامبر از دنیا رفتند تا جانشینی ایشان به شورای مسلمین انتخاب شود، رد می‌کند و مفهوم خاتمیت پیامبر و ارتباط آن با عدم جانشینی فرزندان ایشان را تعبیری دور از حقیقت دانسته و تأکید می‌کند «دلیلی وجود ندارد که محمد صلی الله علیه و آله و سلم نتواند کسی از خاندان خود را به رهبری دینی و دنیوی امت اسلامی پس از خود تعیین کند. در قرآن فرزندان و خویشاوندان نسبی پیامبر و ارثان ملک، حکمت، کتاب و



جانشینی پیامبر

سلمان فارسی (محمدی) پس از رحلت پیامبر و واقعه ثقیفه از جانشینی امام علی (ع) دفاع می‌کند.

مادلونگ در کتاب جانشینی محمد انتخاب ابوبکر را کودتای نظامی دانسته که طی آن حق خلافت و حاکمیت از فرزندان و اهل بیت پیامبر گرفته شد.

